

حکمتیست ۱۵۰

۲۷ فوریه ۲۰۱۷ - ۹ اسفندماه ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

برکات ایرانی ترامپ

ثریا شهابی



انتخاب ترامپ در آمریکا، که هنوز جامعه آمریکا از شوک ناشی از آن کمر راست نکرده است، در ایران از

جنب حاکمیت و بخشی از اپوزیسیون آن، بازتاب شدت متناقض و سراسیمه ای یافته است. در حالی که شهروند آمریکایی، در مقابل هویت جدید خود بعنوان "آمریکایی بی مخ، عقب مانده و غیرمتمدن" در جهان پساترامپسم وسیع مقاومت و از خود و ارزشهای انسانی اش دفاع میکند، در حالی که هرروز به شکلی ترامپ و ترامپسم را پس میزند، در ایران یکی پس از دیگری "دخیل" هایی است که بردرگاه این امام زاده جدید، بسته میشود. بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی، از احزاب ناسیونالیست کرد تا آقای پهلوی و راست پروغرب، روی عربده های خارجی ستیزی ترامپ سریعاً سرمایه گذاری کردند! دوان دوان مسابقه خود شیرینی و فشار برای "رژیم چینجی" که در دستور کار هیچ یک از جناحهای هیئت حاکمه آمریکا نیست براه انداختند، و هنوز گرم نشده از پادرآمدند. مسابقه ای که با از حال رفتن ورزشکاران غیورش با شنیدن سوت آغاز مسابقه، شروع نشده به پایان رسید. از طرف دیگر در صف حاکمیت هم، از ولی فقیه تا روحانی و ظریف و اصول گرا و اصلاح طلب و حتی احمدی نژاد، چشم انتظار معجزات و برکات "آیت الله ترامپ" دست به زانو هرروز سری میچرخاند و سازی می زنند.

سرعت مقابله جهانی با ترامپسم و مقاومت در مقابل روند جاری تعرض افسار گسیخته ارتجاع بورژوازی در اروپا و آمریکا، یکی پس از دیگری سازهایی که هیئت حاکمه ایران کوک میکند را هم، هنوز نواخته نشده، خاموش و ساکت میکند. ... صفحه ۲

توطئه ای جدید علیه اپوزیسیون

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی

اخیرا موضوع خلع سلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی توسط فراکسیونها و افرادی از نمایندگان در مجلس عراق و تلاش برای تصویب آن به عنوان قانون، راه افتاده است. مستقل از نتیجه این اقدام، نفس طرح خلع سلاح و راه یافتن آن به مجلس عراق، قدمی دیگر در جهت فشار به اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کردستان عراق و بیان مخاطرات جدی برای سرنوشت آنها است.

تهدید اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کل عراق امری جدید نیست. سرنوشت مجاهدین و حملات مکرر به اردوگاههای آنها در دوره های قبل، گرفتن تعهد از جریانات اپوزیسیون ایران در کردستان عراق، مبنی بر عدم استفاده از اقلیم کردستان برای فعالیت علیه ایران، و سرانجام تهدیدهای مکرر جمهوری اسلامی علیه آنها در اقلیم کردستان، تهدیدهای هر روزه و بمب گذاری و ترور و... گوشه هایی از توطئه جمهوری اسلامی علیه آنها است. این توطئه ها نه تنها مورد مخالفت جدی احزاب حاکم بر کردستان عراق قرار نگرفته، بلکه دامنه محدودیت بر اپوزیسیون جمهوری اسلامی در ساخت و پاخت با آنها به مرور زمان افزایش یافته است. ... صفحه ۳

زن و جایگاه طبقاتی

به مناسبت فرا رسیدن ۸ مارس

مونا شار

جایگاه طبقاتی آن بگذارم. در تمام دنیا زنان و مردان در نظام سرمایه داری به شکلی استثمار می شوند ولی زنان علاوه بر استثمار شدن سرکوب می شوند و بعنوان جنس درجه سه در موقعیتی نابرابر به عقب رانده می شود. دامنه ابعاد تبعیض علیه زنان بنا به شرایط مختلف جغرافیای سیاسی متفاوت و وسیع است. زنان در اروپا غالبا علیه نابرابری دستمزد زن و مرد مبارزه می کنند. در افغانستان علیه بریدن گوش و بینی و ازدواج کودکان خردسال و در ایران علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و تن فروشی و تعرض جنسی اعتراض می کنند. ... صفحه ۴

۸ مارس یکی از مهمترین روزهای تاریخ اعتراضات بشری ست. پرداختن به تمام زوایای تعرض وحشیانه نظام سرمایه داری و به طور مشخص نظام ارتجاعی اسلامی در ایران ابعاد بسیار وسیعی دارد. من در این نوشته سعی میکنم فکوس بحث را بر مسئله زن و

International Women's Day

زنده باد ۸ مارس



8 March

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

آزادی
برابری
حکومت کارگری

برکات ایرانی...

اپیزود آشتی ملی و دستپاچگی و بلاتکلیفی همگانی در بالا، در شرایط فشار انفجار اعتراضی در پایتخت، امروز ایران را با فردای آن بسرعت متفاوت میکند.

اپیزود آشتی ملی

کمتر طیفی در میان شخصیت‌ها و جنبش‌های سیاسی میتوان یافت که استقامت، پایداری و پیگیری طیف دوحرداری و اصلاح طلب به رهبری خاتمی را داشته باشد. استقامت و پایداری این‌ها برای ماندن در صحنه، حتی به قیمت تبدیل شدن به آبدارچی بیت مقام معظم، جدا ستودنی است. از این نوع پایداری‌ها را معمولاً در اپوزیسیون در طیف توده و اکثریت و امثال فرخ نگهدارها میتوان یافت. با این تفاوت که جنبش اصلاحات و سبز، بخشی از خود حاکمیت و فرزندان تنی، اما ناخالف، نظام اند! آکرویات بازی های ترامپ بر سر رابطه آمریکا با ایران و تهدیدات او که در اولین قدم با موجی از مخالفت در خود هیئت حاکمه آمریکا و کشورهای اروپایی مواجه شده است، کسی که هردو جناح حکومت تا قبل از انتخابات نسبت به روش او در مورد ایران خوش بین تر بودند، جان تازه ای در کالبد جنبش اصلاحات دمید. وقت پا گذاشتن خاتمی به میدان بازی های سیاسی شد. وقت ایجاد هراس در دل مردم، نسبت به بدتر شدن اوضاع در شرایط جفتک انداختن های ترامپ شد. وقت آشتی ملی شد و تحرکات انواع دلقک های سیاسی در پوزیسیون و اپوزیسیون. شوالیه آبروباخته و ممنوع تصویر اصلاحات، جناب خاتمی، در مقابل تهدیدات ترامپ، در کمال رشادت

فرمان بر زمین گذاشتن پرچم رفع حصر و برافراشتن پرچم آشتی ملی، بخصوص در جریان انتخابات را به صدا در آورد. شیپوری که اولین نوایش با پاسخ "خفه به ترگ" مقام معظم مواجه شد. جمهوری اسلامی، با عقیم کردن جنبش سبز به اسارت کشاندن رهبرانش، پرونده خاک خرده اصلاحات را برای همیشه بست و به بایگانی سپرد. خود خامنه ای در راس اصلاحات، آقای روحانی را بر مسند نشاند و با آمریکا آشتی کرد. تقاضای شریک شدن جناب خاتمی و دوحرداری های ورشکسته در سرمایه سیاسی بدست آمده مقام معظم، این بار با پرچم آشتی ملی، یعنی ما هم بازی، معلوم بود که با مزاح مقام معظم روبرو میشود. خامنه ای رهبری بلامنازع اش را بر همه جناح‌ها و باند‌ها و گروه بندی های جمهوری اسلامی تحمیل و تامین کرده است. با حصر رهبران سبز، شکست دادن دوحرداد و به حاشیه راندن سبز، همه انواع اصلاحات چی های دورن نظام را کمر خمیده در مقابل خود به صف کرده است! تلاش دون کیشوت اصلاحات، فقط برای خالی نبودن عریضه است. ایشان منظوری ندارند. کسانی که، بعنوان اپوزیسیون، میخواهند از این کلاه، به انضمام کلاه "فاجعه ساختن" از مرگ رفسنجانی نمدی بدوزند، طبق معمول سرشان بی کلاه می ماند. مقام معظم از دوحرداد و ناراضیان درون حکومتی عبور کرده است. نیازی به آشتی با کسانی که شکست شان داده است ندارد. فرمان آشتی ملی را خود مقام معظم، آنهم نه خطاب به سبز و دوحرداری‌ها، که وقیحانه خطاب به مخالفین نظام فرستاده است. پیام خامنه ای به مخالفین نظام برای شرکت در انتخابات به منظور فقط و فقط نمایش قدرت در

مقابل دشمن، همان کاری است که دون کیشوت اصلاحات تقاضا میکرد در مراسم آن به بازی گرفته شود. امری که، بدون شرکت اصلاح طلبان و دوحردادهای بی خاصیت، راسا توسط خامنه ای صادر شد. خاتمی و سران سبز هیچ کاره اند. پیام "مقام معظم" برای آشتی ملی در انتخابات را اما باید محکم بر صورت مقام معظم پرت کرد. این دانه پاشیدن‌ها، برای به خدمت گرفتن امثال فرخ نگهدار و طیف اپوزیسیون راست خارج از نظام، است. باید به مضاف آن رفت و بازار گرمی طیفی که در این شرایط برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای به تک و تا می افتند، را کساد کرد.

بلاتکلیفی همگانی

امروز هیئت حاکمه ایران، از اصول گرا و اصلاحات چی، تا احمدی نژاد و خاتمی و روحانی و مقام معظم، هم برای انتخابات و هم برای تعیین سیاست روز، پشت در ترامپ چمباتمه زده و در انتظار معجزات، خوب و بد، ایت الله ترامپ نشسته اند. ترامپ علیه ایران پروپاگاندا میکند، احمدی نژاد برایش نامه "هدایت به راه راست و رستگاری" ارسال میکند و از کیسه کورش کبیر و تاریخ پر عظمت ایران باستان برای آینده سیاسی شان خرج میکند. چرا که نه! اگر ترامپ در آمریکا بتواند رئیس جمهور شود احتمالا احمدی نژاد بتواند در ایران تاجگذاری کند! با این تفاوت که اگر امپراطور شدن ترامپ مالتی میلیاردر در تاریخ آمریکا "اورینسوال" است، تاجگذاری احمدی نژاد و همه دوستانش در حاکمیت سی و شش ساله در ایران، جعلی ترین نسخه معیوبی است که میتوان برای آینده ایران تصور کرد. سرچخاندن های احمدی نژاد و ظریف و

مقام معظم و روحانی برای ترامپ، نمایش بلاتکلیفی همگانی شان است. از طرف دیگر اشتباهی مهندسی افکار برای انتخابات ۹۶ ایران، از جانب رسانه های رسمی در غرب، امثال بی بی سی و دویچه وله، هم تماشایی است. رسانه هایی که تیر زدن به پای آنها در غرب، برگه عبور هر کسی است که بخواهد در این شرایط برای تغییر کاری بکند. مگر نه اینکه برکیت و ترامپسم در مقابل ناتوانی از جمله این نهادهای سنتی قدرت، عروج کرد. رسانه هایی که هیچگاه به اندازه امروز ناتوانی شان در هدایت افکار عمومی در غرب را به نمایش نگذاشته اند، نسبت به شانسی خود در مورد ایران اما امیدوار بنظر می رسند. دویچه وله علیه اصولگایان می نویسد که: "اما این احتمال هم هست که آیت الله خامنه ای یا تصمیم به حذف حسن روحانی بگیرد، یا بگذارد باز انتخاب شود...!" کوه موش زانید! باید تکلیف این بلاتکلیفی ها در مورد ایران را، با زور و نیروی خود، معلوم کرد. روند اعتراضات، خشم از فقر و بی افقی کار و بن بست اقتصادی و محرومیت روزافزون، نشان آمادگی نیرویی در پائین است، که آماده تعیین تکلیف است. باید به پیشواز آن رفت. عمر پروپاگاندهای حواریون ترامپ و ترامپسم، در حاکمیت و در اپوزیسیون، بیش از یکی دو روز نیست. آینده از آن آنها نیست.

حکمت را توزیع و پخش کنید!

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

توطئه ای جدید ...

بی شک اقدام اخیر بخشی از فراکسیونها و نمایندگانی در پارلمان عراق علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی، بیان توازن قوایی جدید در عراق به نفع جمهوری اسلامی در دل تخاصصات موجود در میان فراکسیونهای مختلف در پارلمان این کشور و دسته بندی های مختلف برای سهم در آینده عراق است.

ما تاکنون بارها نسبت به مخاطراتی که آینده اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق را تهدید میکند هشدار داده ایم. بارها در مورد زد و بند و معامله میان احزاب حاکم بر

کردستان عراق با جمهوری اسلامی و خطرات آن اخطار داده ایم. متأسفانه خوشبینی و توهّمات این اپوزیسیون نسبت به احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق و دولت اقلیم، خویشاوندی جنبشی و سیاسی آنها با هم و... خود بخشی از مشکلاتی است که امروز گریبان آنها را گرفته است. امروز دیگر دامنه این فشارها، حتی اگر تلاش فراکسیونهای مدافع جمهوری اسلامی برای تصویب قانونی علیه این اپوزیسیون به جایی نرسد، یک امر مسلم این است که دامنه این فشارها، تهدید و توطئه علیه آنها و مخاطرات سیاسی و جانی برای آنها، وارد فاز جدیدی

میشود. فازی که نه فقط استقرار و ادامه فعالیت این احزاب بلکه و بعلاوه آینده نیروهای آنها را در عراق با مخاطرات جدی روبرو میکند. حزب حکمتیست یک بار دیگر ضمن محکوم کردن این اقدامات توطئه گرانه علیه اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق، نسبت به آینده نیروی این احزاب در کردستان عراق و مخاطرات جدی ای که سرنوشت آنها را تهدید میکنند، هشدار میدهد. حزب حکمتیست یک بار دیگر اعلام میکند که هر نوع توهّم نسبت به حزب بارزانی و طالبانی و همپالگی های آنها در کردستان عراق و بند و بست و معامله آنها با جمهوری

اسلامی از جمله بر سر آنها، کشنده است، توهمی که میتواند خسارات جدی برای این احزاب بدنبال داشته باشد. ما یک بار دیگر اعلام میکنیم که دولت عراق و مشخصاً احزاب حاکم بر اقلیم کردستان در کنار جمهوری اسلامی مسئول هر توطئه و جنایتی علیه نیروهای اپوزیسیون ایرانی در خاک عراق اند. حزب حکمتیست برای کمک به مقابله با این توطئه و کم کردن ضایعات آن آماده است. حزب کمونیست کارگری- حکمتیست (خط رسمی) ۲۷ فوریه ۲۰۱۷

از نظر ما سوسیالیست ها حقوق زنان جهانشمول است. ملیت و مذهب نمی شناسد. برابری زن و مرد و رهایی زنان از ارزشها و نظام مردسالارانه در هر گوشه جهان آغشته به هر فرهنگ و سنت و مذهبی، یک معنای واحد و یکسان دارد. جای تأسف است که باید امروز بار دیگر بر چنین بدیهیاتی تأکید کنیم. سر برآوردن جریانات و جنبش های ارتجاعی، ناسیونالیستی و مذهبی در سالهای اخیر از یکسو و عقبگرد جنبش های مترقی و برابری طلب از سوی دیگر آنچه سه دهه پیش بدیهی بنظر می رسید و پیشفرض هر جنبش مترقی و آزادیخواه بود را زیر سوال قرار داده است.

عروج ترامپ در آمریکا، همچون عروج خمینی و طالبان و داعش در خاورمیانه، عروج یکی دیگر از عصاره های ضد زن در جهان امروز است. معلوم شد که مقولاتی چون "نسبیت فرهنگی" و "لاطایلاتی چون فرهنگ و مذهب هر جامعه ای محترم است" تنها شامل حال قربانیان میلیونی اردوی زنان در جوامع اسلامزده نمیشود بلکه یقه حقوق جهانشمول زنان و جایگاه زنان در جوامع غربی را هم گرفته است. اما اگر بنا بود در خود غرب که تاریخ طولانی و سنت طولانی مبارزه برای حقوق زنان و برابری زن و مرد دارند، فرهنگ و ارزشهای ابتدای قرن و احکام رایج مسیحیت معتبر شمرده شوند، اگر معیارها و سنت های کهنه این جوامع در رابطه با نقش زن در جامعه و خانواده مورد احترام باقی می ماندند، موقعیت زنان در این جوامع بسیار اسفناک میبود. از حقوق برابر، حق طلاق، انقلاب جنسی، از زنان آزاد و از استقلال زن و خلاصی اش از قیمومت پدر و شوهر و برادر اثر و نشانی نمیبود. اگر فرهنگ و سنن حاکم بر هر جامعه محترم بود و محترم می ماند، از هیچ یک از پیشروی هایی که در این قرن به نفع زنان و به یمن مبارزات انقلابی، برابری طلبانه و سوسیالیستی بدست آمده، صحبتی هم نمی توانست در میان باشد. اعتراضات و مقاومت وسیع در دفاع از زنان و حقوقشان در سراسر جهان علیه ترامپ را باید در این بستر مشاهده کرد. فشار یکی از ابرقدرتهای دوران ما ...

باید به این نظام جهانی سر تا پا ضد زن و مردسالار از ایران تا آمریکا فهماند که نمیتوان به این سادگی زنان و جنبش برابری طلبی را کوبید و به عقب راند. در آستانه ۸ مارس، روز همبستگی بین المللی برای رهایی زن از قید ستم و سرکوب مردسالارانه، ضروری است که بر جهانشمول بودن حقوق زنان، یکسان بودن معنای رهایی زن از نظام و ارزش های مردسالارانه در تمام گوشه های جهان تأکید کرد. امروز با سرکار آمدن امثال ترامپها در غرب دیگر باید روشن شده باشد که برای زن آزادیخواهی که در افغانستان و ایران و فرانسه و آمریکا بدنیا آمده است مبارزه و جنگ برای حقوق برابر و رهایی دارای معنایی یکسان است. کمونیستها به صف عظیم و پرافتخار مبارزه برای رهایی کامل زن و برابری بی قید و شرط و فوری زن و مرد تعلق دارند.

مرکب بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

زن و جایگاه...

میشود. زن خانه دار و با کار خانگی بدون هیچ دستمزد و بیمه بیکاری، با پرورش و تر و خشک کردن خیل عظیم کارگران ارزان قیمت، آینده سرمایه داری را تضمین کنند.

زنان در نظام جمهوری اسلامی مورد اولین آماج تبعیض و نابرابری، آپارتاید جنسی و سرکوب قرار میگیرند، به عنوان فقط یک نمونه زنده قانون اخیر جمهوری اسلامی نمونه دیگری از تعرض عریان به جایگاه زن در شکل تبعیض جنسیتی و تولیدی است و آن هم قانون بیکارسازی و بازنشستگی زودرس زنان به منظور پایین آوردن نرخ بیکاری جامعه "مردان".

گفتم این تنها یک نمونه از تهاجم هار و افسار گسیخته جمهوری اسلامی است زیرا زنان نیمی از جامعه هستند و با سرکوب آنها می خواهد تا کل جامعه را به خفقان بکشاند. مسأله زن و تعرض به آن در تمام دوران حاکمیت اسلامی ایران در صدر است. با تمام این اوصاف حضور ۵۰۰ هزار زن در ۸ مارس ۵۷ تاریخ ساز شد و این مبارزه همچنان در اعماق جامعه ادامه دارد. زنان از همان ابتدای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی یک سد مقاومتی و مبارزه را علیه قوانین ارتجاعی بخصوص حجاب و آپارتاید جنسی به راه انداخته اند و این جدال هر روز در خیابان ها و دانشگاه و جامعه در جریان است.

اگر شعار کلیدی طبقه کارگر " کارگران جهان متحد شوید" است پس حضور زنان کارگر در اعتراضات روزمره این طبقه و سد بستن در مقابل ارتجاع طبقه حاکمه علیه مطالبات زنان از نان شب واجب تر است. اعتراضات کارگران بدون حضور زنان کارگر و بدون پرداختن به

قطعا نمی توان موقعیت زن اروپایی و مبارزات آنان را با زنی که در کشورهای خاورمیانه است برابر دانست. حتما طی نگاهی به تاریخ مبارزاتی، زنان در دنیا موقعیت های ارزنده ای را کسب کرده اند. اگرچه کسب این موقعیت ها در نظام سرمایه داری در خدمت خودش است. در حکومت اسلامی ایران، موقعیت های کسب شده توسط زنان در دل دولت، نهایتش می شوند پلیس خواهران زینب و فاطمه زهرا برای سرکوب زنان دیگر و یا نماینده مجلسی که احکام ضد زن را بر علیه همجنس خودش به تصویب برساند. در اروپا هم چنین وضعیتی وجود دارد. سال گذشته خبری که باعث مسرت فمینیست های اسلامی شد. زنی در مسجدی در دانمارک، به مقام امام جماعتی رسیده است و در مسجد تک جنسیتی برای زنان اقامه نماز و موعظه میکند. منفعت نظام سرمایه داری ایجاب میکند تا حدی که در خدمت و تبلیغ و تحکیم نظام سرمایه داری و سرکوبگر است عمل کند.

جمهوری اسلامی اولین قدمش با آپارتاید جنسی و زدن حق زن شروع شد و ۲۷ سال است که با هر بهانه ای و هر شلاقی را که می زند ضرب اول به موقعیت و حرمت و جایگاه زن تعرض میکند. اگر تعدیل نیروست اول زنان کارگر اخراج می شوند. اگر قرار است حقوق بگیرند زنان از دستمزد کمتری برخوردارند و نان آور خانواده به حساب نمی آیند. با هر نوسان بازار که سرمایه داری به نیروی کار بیشتر و گاه کمتری نیاز دارد، اولین قربانیان زنان کارگر هستند. زنان خانه نشین که سرمایه بزرگی برای سرمایه داری محسوب

برابری زن و مرد:

ممنوعیت تبعیض برحسب جنسیت

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند.

یک دنیای بهتر - برنامه حزب را بخوانید!

که زن و مرد برای معاشرت در خیابان از پلیس و دستگیر شدن وحشت نداشته باشد. روزی که زن و مرد بعنوان یک انسان حق شادی، آزادی و برابری را با تمام پوست و گوشت خود لمس کند. آنوقت دنیای بهتر معنا پیدا می کند و اینها تنها با به زیر کشیدن نظام سرمایه داری و سرنگونی حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی به عنوان نماینده تام و حیثیگری و تعرض به زنان در تمام اشکال آن میسر میشود و مستلزم آن تغییر بنیادینی است که با نیروی جنبشی سوسیالیستی و کمونیستی طبقه کارگر میسر می شود تا رهایی و برابری را برای جامعه تضمین و متحقق کند.

معضل و مشکل زنان امکان پذیر نیست. قطعا جنبش کمونیستی تنها راه پایان دادن به این ستم کشی و انقیاد زنان است. و سرکوب و استثمار زن در جامعه سرمایه داری جدای از استثمار طبقه کارگر نیست. کارگری که خود استثمار می شود نمی تواند بر این همه جنایتی که بر زن روا می دارند چشم هایش را ببندد و مسأله اش نباشد. باید فریاد زد که جامعه ای که نیمی از خود را، درجه سوم می داند و حتی انسان به حساب نمی آورد، ننگ است و باید به این توحش و استثمار پایان داد.

روزی که حجاب اجباری و تمام حقوق نابرابر غیر انسانی از میان برود، روزی

شرایطت حزب حکمتیست

حزب

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی! نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!